

تحلیل و بررسی اشعار عاشورایی سیدعلی موسوی گرمارودی

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۲

حبیب‌الله رزمجویی*

چکیده

در این مقاله پس از بررسی اجمالی شعر عاشورایی در دوره‌های چهارگانه ادب فارسی، اشعار عاشورایی سیدعلی موسوی گرمارودی در حوزه شخصیت‌های عاشورایی در سه بُعد شخصیت‌سازی، شخصیت‌پردازی و شخصیت‌توصیفی، تحلیل و تبیین شده است. نگاه دشمن‌شناختی شاعر و نگاه فلسفی وی به عاشورا از ابعاد دیگر این مقاله‌اند.

واژگان کلیدی: شعر عاشورایی، موسوی گرمارودی، شخصیت‌توصیفی، شخصیت‌پردازی، شخصیت‌سازی.

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل. شاعر، پژوهشگر، مدرس دانشگاه، عضو حلقه ادبیات گروه اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (h.razmjooyi@yahoo.com).

مقدمه

عاشورا، ماندگارترین حادثه تاریخ تشیع و پویاترین آن، ۱۴۰۰ سال بر جان و اذهان بشریت جاری است. به راستی عزت و کرامت انسان آنگاه که با ظلم و طاغوت خدشه‌دار می‌شود، قیامی مجدد آن را احیا و عزت‌طلبی را در انسان بیدار می‌کند.

این واقعه بزرگ که قلم‌ها را به حرکت درآورد، در گونه شعر نیز به عنوان گونه‌ای پُرکاربرد و مقبول به تصویر کشیده شده است. در تک‌تک صحنه‌های واقعه عاشورا، ادبیات ساری و جاری است و این از همان روز واقعه، نمودار و پدیدار شد. مداومت و تکرار در بیان آن واقعه عظیم در ادبیات و به خصوص شعر، امروزه فرهنگ عاشورا را به وجود آورده است. تعاریف متعددی از شعر عاشورایی صورت گرفته که این تعاریف بنا به ابعاد گوناگون واقعه عاشورا، هرکدام وجهی از آن را برجسته کرده‌اند.

شعر عاشورایی به شعری اطلاق می‌شود که صرفاً به بیان عاطفی و ماتمی و گاهی به جنبه‌های حماسی واقعه کربلا می‌پردازد (مجاهدی، ۱۳۷۹، ص ۴۸). این نوع شعر، مخصوص ذکر مناقب ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و شرح واقعه جانسوز کربلا و خاص اهل تشیع می‌باشد و از قرن دهم با حکومت صفویه در ادبیات فارسی رواج یافته است (رستگار، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰).

شعر عاشورایی به شعری گفته می‌شود که درباره قیام الهی حضرت *اباعبدالله‌الحسین*^{علیه‌السلام}، اخبار مبتنی بر شهادت ایشان و یارانش، توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث پیش و پس

از آن نیز پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن می‌گوید (کافی، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

اشعار عاشورایی در دو زبان فارسی و عربی سروده شده‌اند که هرکدام از آنها در دو زمان متفاوت آغاز شده‌اند.

در نخستین اشعار عربی در مصایب کربلا به همان روزهای عاشورا سال ۶۱ هجری و حماسه‌سازان آن برمی‌گردد، در حالی که شعر عاشورایی در ایران پس از چند قرن و پس از پختگی زبان فارسی دری در قرن سوم هجری و کاهش سختگیری‌ها و تعصبات و رواج مکتب شیعه توسط آل بویه در قرن چهارم راه خود را در ابیات فارسی باز کرد (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

در شعر فارسی، کسایی مروزی (قرن چهارم)، ناصرخسرو (قرن پنجم) و قوامی رازی (قرن ششم) نخستین کسانی بودند که شعر عاشورایی سرودند؛ هرچند در میان ادبا در این باره اختلاف است.

مضامین اشعار عاشورایی را عموماً گریه و ندبه، ستایش فضایل و بزرگی امام و یارانش (مدح)، تقبیح و سرزنش دشمنان و هجو آنان و بیان حماسه‌ها تشکیل می‌دهد؛ ولی بیشترین مضامین پرداختی در اشعار عاشورایی، مرثیه است که بر عنصر عاطفه و تخیل مبتنی می‌باشد: «اصولاً کربلا بر چهار رکن و پایه اساسی استوار است؛ سوگ، حماسه، پیام و شیفتگی (حب) که در ادب گذشته فارسی عمدتاً به بُعد سوگ پرداخته‌اند» (سنگری، ۱۳۸۰، ص ۳۲).

در اشعار عاشورایی، مثل همه گونه‌های ادبی دیگر، دوره‌های مختلفی وجود داشته است. به طور خلاصه می‌توان این دوره‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد: دوره اول، قرن‌های اولیه تا پیش از تشکیل حکومت صفویان؛

دوره دوم، دوره صفویه؛

دوره سوم، دوره حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجار؛

دوره چهارم، دوره معاصر.

عصر اول، عصر فراوانی شعر عاشورایی نیست، گرچه روزگار فخامت، جلال و شکوه شعر فارسی است و دلیل آن حصر و حبس‌ها و مبارزه‌ای است که با شیعه‌گری صورت می‌گیرد (کافی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹).

در عصر دوم، کثرت شاعران عاشورایی، تنوع قالب‌ها، مضمون‌پردازی‌های قوی در مجموع فخامت شعر عاشورایی می‌باشد. از شاعران آن دوره می‌توان به اهلی شیرازی، محتشم کاشانی، صائب تبریزی و فیاض لاهیجی اشاره کرد.

نخستین و برجسته‌ترین مرثیه عاشورایی دوره صفویان را محتشم کاشانی در قالب ترکیب‌بند سرود و تحول و شکوفایی ادبیات منظوم عاشورا را به ارمغان آورد (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

عصر و دوره سوم، دوره پرداخت به شعر عاشورایی از بُعد و منظر حماسی و عرفانی است. شاعرانی چون فتحعلی‌خان صبا، سروش اصفهانی، عمان سامانی و وصال شیرازی از برجسته‌ترین افراد این دوره بودند.

دوره چهارم از سال ۱۲۰۰ خورشیدی به بعد (دوران معاصر) را شامل می‌شود. در این دوره، نگاه و رویکرد تازه‌ای به ادبیات عاشورایی به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد که باعث گسترش هرچه بیشتر آن هم شد. این نگاه به ابعاد دیگر کربلا به ویژه پیام‌ها و حماسه کربلا توجه دارد.

در دوران معاصر نام سیدعلی موسوی گرمارودی در اشعار دینی و به خصوص عاشورایی از درخشان‌ترین نام‌هاست. کارنامه شعری و پژوهشی گرمارودی به

خصوص در عرصه شعر نو (سپید)، کارنامه‌ای پربار است.

سهیل محمودی درباره گرمارودی می‌گوید:

موسوی گرمارودی یکی از کهن‌ترین قالب‌های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه‌ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه بر گذشته شعر فارسی و با ارزش‌گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است؛ چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست‌زده ما وجود ندارد و کسانی مثل *اخوان* یا *سهراب* در این راه موفق بوده‌اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا درآورده‌اند. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته، در شعر معاصر راه تازه می‌جوید (روزنامه ایران، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

در اشعار عاشورایی گرمارودی، مواردی را بدین شرح می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. شخصیت‌هایی عاشورایی

در اشعار گرمارودی، شخصیت‌ها را می‌توان از سه بُعد بررسی کرد:

الف) شخصیت‌سازی؛

ب) شخصیت‌پردازی؛

ج) شخصیت توصیفی.

درباره شخصیت‌سازی، تشخص بخشی مخصوص عناصری است که نیاز به ساختن دارند؛ مثل عناصر طبیعی. در اینجا هم موضوع جان‌بخشی (تشخیص) و هم ایجاد حسی مضاعف در ارتباط و تقابل نزدیک‌تر با آنها وجود دارد. درختان را دوست دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند

و آب را که مهر مادر توست

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹، ص ۴۵)

عناصر طبیعی در شعر گرمارودی به هدف و حس انتقال شاعر بسیار نزدیک‌اند. صمیمیت حاصل از این نزدیکی به روشنی، ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند.

فقط در شعر خط خون که در واقع شعری با تمام ویژگی‌های منحصر به فرد است، دست‌کم ۶۵ کلمه از این نوع را غیر از تکرار هرکدام از آنها شاهدیم؛ اما شخصیت‌ها گاهی در اشعار گرمارودی پرداخته و برجسته می‌شوند. به عبارت دیگر، از پیش ساخته شده‌اند؛ ولی به گونه‌ای دیگر و بهتر برجسته می‌شوند.

شخصیت‌پردازی موسوی گرمارودی در شعرهایش بسیار دقیق و ظرافتمندانه است:

خونی که از گلوی تو تراوید
همه‌چیز و هرچیز را در کائنات دو پاره کرد
در رنگ

(همان، ص ۴۶)

سابقاً و تاکنون، از شمشیر با کارکرد پیش‌گفته استفاده می‌شد؛ ولی اکنون شاعر به گونه‌ای هنرمندانه و به هدفی متعالی‌تر، ماندگارتر و عمیق‌تر، خون را با این کارکرد جدید استفاده می‌کند.

هرکس هرگاه دست خویش
از گریبان حقیقت بیرون آورد
خون تو از سر انگشتانش تراواست

(همان، ص ۴۸)

توصیف شخصیت‌ها که غالباً با گرایش و رویکرد مدح‌گونه استعمال می‌شود، بیشترین کارکرد را در شعر شاعران عاشورایی دارد.

توصیف شخصیت‌ها می‌تواند به صورت واقعی یا خیالی صورت پذیرد. در تقسیم‌بندی دیگر، توصیف‌ها را می‌توان به «عرفانی»، «احساسی» و «عاطفی» تقسیم کرد.

در هر صورت آنچه از اشعار گرماردی در توصیف به خصوص در موضوع شخصیت‌ها می‌توان ملاحظه کرد، عموماً توصیفی مبتنی بر واقع‌گرایی است. اگرچه این توصیف‌ها در ظرف بیان نمادین و استعارای شعر جلوه می‌شود؛ ولی ریشه‌ای کاملاً مستند و واقعی دارند.

یزید کلمه نبود

دروغ بود

زالوی درشتی که اکسیژن هوا را می‌مکید

(همان، ص ۴۹)

همچنین در این بیت:

یا ذبیح‌الله!

تو اسماعیل گزیده خدایی

و رؤیای به حقیقت پیوسته ابراهیم

(همان، ص ۵)

با این حال، موسوی گرماردی در اشعار کلاسیک خود به توصیفات احساسی متمایل شده است؛ همان‌گونه که در توصیف حضرت زینب می‌سراید:

ای فلق عصمت و خورشید شرم

ای دل خورشید ز روی تو گرم

چهره صبح از تو صفا یافته

شام، سر زلف تو را بافته

(همان، ص ۲۹۷)

شخصیت‌های وصف‌شده گرم‌رودی در شعرهایش، شخصیت‌های تک‌بُعدی و فردی نیستند، بلکه افرادی‌اند که نماینده و الگو هستند. در این شعرها حضرت زینب علیها السلام نماینده و الگوی زنان عالم است:

ای ز تبار شرف و راستی ای که شرف را ز خود آراستی
(همان، ص ۲۹۸)

درباره حضرت ابوالفضل علیه السلام:

ای خوب‌ترین به گاه سختی ای شهره به شرم و شور بختی
(همان، ص ۲۵۸)

و درباره امام حسین علیه السلام:

تو را باید در راستی دید
در خواستن
برخاستن
(همان، ص ۴۷)

و درباره حرّش که عنوان یک الگو است، نه شخص:
حرّ شخص نیست
فضیلتی است

از توشه‌بار کاروان مهر جامانده
آن سوی رود پیوستن
(همان، ص ۵۵)

۲. تعابیر عاشورایی رمز گونه

شاعر در به‌کارگیری ظرفیت‌های زبان برای خلق اثری موفق، شگردهای گوناگونی به کار می‌گیرد. استفاده از ذهنیت مخاطب برای درک مفاهیم در

عین کاستن از تعداد کلمات (نماد)، جذابیت اثر را بیشتر خواهد کرد. نمادهای متعددی در اشعار عاشورایی گرمارودی به کار رفته‌اند که تأثیر شعر را بیشتر و ژرف‌تر کرده است. آب، آئینه، صبح، فلق، گیاه، شفق، سحر، خورشید، جام، کلمه و... از نمادهایی‌اند که شاعر در اشعار خود به کار برده است. این نمادها که حاصل باورهای دینی و تاریخی شاعرند، به صورت اصطلاحاتی از حوزه مذهب به شعر راه یافته و شخصیت‌های مذهبی، مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شوند.

شفق آینه‌دار نجابت

و فلق

محرابی که تو در آن

نماز صبح شهادت گزارده‌ای

(همان، ص ۴۵)

بر تالابی از خون خویش

در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای

با جامی از فرهنگ

(همان، ص ۴۹)

وی قمری شاخسار احسان

ای سرو بلند باغ ایمان

(همان، ص ۲۵۸)

شعر گرمارودی مجموعه‌ای از نمادهاست. او طبیعت زنده پیرامون خود را سمبل انسان‌های جامعه خود می‌گیرد که برخی راه حق پیموده و حسینی گردیده‌اند و برخی نیز به جرگه یزیدیان پیوسته‌اند (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۲۹۱).

اینک ماییم و سنگ‌ها

ماییم و آبها
درختان، کوهساران، جویباران، بیشه‌زاران
که برخی یزیدی
وگر نه حسینی‌اند

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹، ص ۵۰)

۳. نوع نگاه و زاویه دید شاعر

عوامل متعددی در شکل‌دهی نوع نگاه شاعر به حوادث و مناظر پیش رو نقش دارند. بی‌شک اگر نقش عناصر مذهبی و نوع نگاه و شکل‌دهی شعر گرمارودی را به اجزای متنوع و گوناگون آن تقسیم کنیم، عبارت خواهند بود از:

۳-۱. نگاه حماسی به واقعه عاشورا

هرچند نگاه غالب در اکثر اشعار عاشورایی به استثنای دوره چهارم، نگاه مرثیه‌سرایی، ندبه و گریه در عزای سرور و سالار شهیدان و یارانش بوده است، در دوره معاصر و به خصوص در اشعار عاشورایی گرمارودی، بیشتر به بُعد حماسی واقعه عاشورا نگریسته شده است. آشکارترین شعر موسوی گرمارودی و شاید دوران معاصر را باید شعر خط خون دانست. این شعر که در قالب سپید سروده شده است، از درخشان‌ترین نمونه‌های بیان حماسه عاشورا در میان اشعار عاشورایی می‌باشد. مضامین حماسی شگرف و بدیع با حجم بسیار بالا در این اشعار و استفاده از نمادهای حماسی مناسب با بُن‌مایه‌های اتفاقات شکل‌گرفته از شاخصه‌های مهم این شعر است.

نکته مهمی که در اشعار عاشورایی گرمارودی به ویژه شعر خط خون وجود

دارد اینکه باید میان بیان حماسی با نگاه حماسی شاعر تفاوت قائل شد؛ یعنی حماسه دارای ارکانی برای شکل‌گیری در بیان است. این ارکان در نگاهی اجمالی به موضوعاتی همچون بیان و توصیف پهلوانی‌ها و عظمت، زمان و مکان مشخص، تلفیق حماسه و عرفان، توصیف ادوات جنگی، رجزخوانی مرگ‌آگاهی، وا گویه با خویشتن، مرثیه‌سرایی، حس انتقام، در کنار زبان فخیم و معانی عمیق در عین اقتدار و عظمت است.

برای بیان حماسه، شاعر، ناگزیر از رعایت ارکان و اصول آنها می‌باشد، در حالی که در نگاه حماسی لزوماً این ارکان به بیان و توصیف نخواهند رسید و گاهی تصویری گذرا و کوتاه خواهند داشت. در نگاه حماسی، شاعر الزام کامل به رعایت همه ارکان نداشته؛ ولی بعضاً یک یا دو وجه از ارکان را برجسته خواهد کرد.

مهم‌ترین وجوه پرداختی در نگاه حماسی گرماردی در اشعار عاشورایی خود به ویژه خط خون را باید در عناصر «توصیف عظمت واقعه، پهلوانی‌ها و مبارزات امام و یارانش» و «مرگ‌آگاهی (معرفت به مرگ)» دانست.

خون تو شرف را سرخ‌گون کرده است

(همان، ص ۴۵)

چندان تناوری و بلند

که به هنگام تماشا

کلاه از سر کودک عقل می‌افتد

(همان، ص ۴۹)

دخت علی را نتوان دست بست

قامت تو قامت غم را شکست

(همان، ص ۲۹۸)

نام تو خواب را برهم می‌زند
 آب را توفان می‌کند
 هیچ کلام بشری نیست
 که در مصاف تو نشکند
 ای شیرشکن

(همان، ص ۵۰۰)

مرگ در پنجه تو
 زبون‌تر از مگسی است
 که کودکان به شیطنت در مشت می‌گیرند

(همان، ص ۴۹)

در حسرت فهم این نکته خواهم سوخت
 که حج نیمه تمام را
 در استلام حجر وانهادی
 و در کربلا با بوسه بر خنجر تمام کردی

(همان، ص ۵۱)

۳-۲. نگاه دشمن‌شناختی

در اشعار عاشورایی گرم‌رودی اگرچه مانند بسیاری از شعرهای عاشورایی، شاعران متقدم و متأخر، دشمن، توصیفی منفی با رویکرد حقیرگونه و خوار دارد و با تصویری زشت نمایانده می‌شود؛ ولی در کمتر شاعری چون گرم‌رودی، دشمن با توصیف شاعرانه به مخاطب شناسانده می‌شود؛ یعنی فقط بحث مهم آگاهی و شناخت عمیق و فلسفی از دشمن، ذم او نیست.

در شعر خط خون، شاعر نخست تصویری کلی و در عین حال دقیق از

واقعه ارائه کرده است، سپس به ابراز تعجب و پرسش از این همه بزرگی می‌پردازد و پس از آن، مرحله اول معرفت و شناخت نسبت به دشمن آغاز می‌شود. او تقسیم‌کننده این حد و مرز را شمشیری معرفی می‌کند که بر گلوی امام فرود آمده، همه‌چیز را در کائنات در این سو حسینی و در سوی دیگر، یزیدی کرده است. به اعتقاد گرمارودی که برگرفته از تعالیم مذهبی است، حد وسط این دو مرز، چیزی وجود ندارد.

سنگ‌ها، آب‌ها، درختان، کوهساران، جویباران و بیشه‌زاران، برخی یزیدی‌اند و برخی حسینی و در این میانه چیزی وجود ندارد. حق در یک سو و باطل در سوی دیگر است.

دشمن (یزید) در نگاه شاعر یک بهانه است:

و یزید بهانه‌ای

دستمال کثیفی

که خلط ستم را در آن تف کردند

و در زباله‌دان تاریخ افکندند

(همان، ص ۴۹)

تصاویر بهانه، دستمال کثیف، خلط ستم، تف و زباله تاریخ، بیانگر توصیفی صدر و ذیل شخصیت دشمنان است که هریک به عنوان نماد در خصوص همه دشمنان صدق خواهد کرد:

یزید

کلمه نبود

دروغ بود

زالویی درشت که

اکسیژن هوا را می‌مکید
 مخنتی که تهمت مردی بود
 بوزینه‌ای با گناهی درشت
 سرقت نام انسان

(همان، ص ۵۰)

در نگاه گرمارودی، در کاربرد نام انسان برای دشمن شک وجود دارد. در این اشعار، شاعر مستقیم به ذم دشمن خویش و امام نمی‌پردازد، بلکه ضمن معرفی او و تشریح ابعاد و محدوده تخنت وی، او را رسوا و ذم می‌کند.

اگرچه تصاویر ارائه‌شده از چهره دشمن در شعر خط خون به بهترین وجه ممکن صورت پذیرفته؛ اما در شعر «ساقی حق»، هرچند نگاه معرفتی و فلسفی پیشین وجود ندارد؛ ولی هوشمندانه است.

ناگه یکی دو روبه خرد دیدند که شیر آب می‌برد

(همان، ص ۲۸۶)

۳-۳. نگاه سیاسی در اشعار عاشورایی گرمارودی

عاشورا سرآغاز انقلابی الهی علیه ظلم و ستم بود؛ بنابراین تبدیل به الگو و نمونه‌ای برای هر حرکتی در رفع و زدودن ظلم و جور شد.

در دوران معاصر و به خصوص دوران انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷) که در نهایت به پیروزی انقلاب منجر شد و همچنین در هشت سال دفاع مقدس همواره نگاه به عاشورا و آرمان‌هایش، سرلوحه کار انقلابیون بود.

گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی پیش از انقلاب است. اشعار او با درون‌مایه مذهبی در شعر نو، درخشان و کم‌نظیر است (کافی، ۱۳۸۶، ص ۶۳۹).

وی که به دلیل مبارزات سیاسی بارها به زندان افتاد، در اشعار عاشورایی خود به خوبی نگاه سیاسی را گنجانده است.

... هرچه در سوی تو حسینی شد

و دیگر سو یزیدی

اینک ماییم و سنگ‌ها

ماییم و آب‌ها

درختان، کوهساران، جویباران، بیشه زاران

که برخی یزیدی

و گرنه حسینی‌اند

(همان، ص ۴۶)

امروز، پیکار یزیدی و حسینی است در کربلای ما، حسین ما خمینی است

(گرمارودی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۸)

۳-۴. نگاه فلسفی به واقعه عاشورا

شعر گرمارودی به واسطه نگاه عمیق در پرداخت مباحث کلیدی حتی در جزئی‌ترین نکات، به همراه چرایی و چگونگی در آنها در انتقال مفاهیم و اهداف خود به مخاطب بسیار موفق بوده است. این نگاه فلسفی به واقعه عاشورا در تمام اجزاء، ابعاد و ساختار شعری به خصوص در شعر خط خون، رعایت شده است. کلمات در چهارچوب نگاهی عمیق و محکم و رمزگونه بیان شده‌اند.

بر تالابی از خون خویش

در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای

با جامی از فرهنگ

و بشریت رهگذار را می‌آشامانی
هرکس را که تشنه شهادت است

(همان، ص ۴۹)

در اشعار عاشورایی گرم‌رودی به همین قیاس، نگاه واقع‌گرایانه، ظلم‌ستیزانه و منتقدانه دیده می‌شود. در سروده‌های موسوی گرم‌رودی، حرکت عاشورا جاودانه و مانا بوده است و نسل‌ها و عصرها را سیراب و بارور می‌کند.



منابع

۱. انصاری، نرگس؛ عاشورا در آئینه شعر معاصر؛ چ ۱، تهران: نشر مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹.
۲. روزنامه ایران؛ پایان سخن، ابتدای شعر (درباره علی موسوی گرمارودی)؛ ش ۳۵۶۰، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۵/۱۱/۱۱، ص ۱۱.
۳. سنگری، محمدرضا؛ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس؛ چ ۱، تهران: نشر پالیزان، ۱۳۸۰.
۴. کافی، غلامرضا؛ شرح منظومه ظهر؛ چ ۱، تهران: نشر مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۶.
۵. مجاهدی، محمدعلی؛ شکوه شعر عاشورا؛ قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۹.
۶. محمدزاده، مرضیه؛ عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه؛ چ ۱، تهران: نشر مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹.
۷. موسوی گرمارودی، سیدعلی؛ باغ سنگ؛ چ ۴، تهران: نشر تکا، ۱۳۸۹.